



## Vicarious Victimization and its Reduction Strategies in Iran's Criminal System

Razieh Saberi<sup>1</sup> | Ali Saffary<sup>2</sup> | Mahdie Vojdani fahr<sup>3</sup>

1. Department of Law, Faculty of Law, Theology and Political Science, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: [r.saberi@sbiau.ac.ir](mailto:r.saberi@sbiau.ac.ir)
2. Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. E-mail: [a.saffary@sbu.ac.ir](mailto:a.saffary@sbu.ac.ir)
3. Corresponding Author; Department of Criminal Law and Criminology, Shahr Danesh Legal Research Institute, Tehran, Iran. E-mail: [vejidani@sdil.ac.ir](mailto:vejidani@sdil.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Manuscript Received:  
11 November 2022

Final revision received:  
17 January 2023

Accepted:  
14 February 2023

Published online:  
15 March 2023

#### Keywords:

*Direct victim,  
vicarious victim,  
therapeutic-supportive,  
preventive, legal.*

### ABSTRACT

Vicarious victim refers to any person who, as a result of seeing, hearing, or being exposed to the news of a crime, suffers mental, psychological, and other injuries that affect the life of such a person. Until today, there has always been talk about the direct victims of crimes and legal protection strategies for them in the laws. Unaware that vicarious victims also need attention from various institutions and the criminal justice system; Because this type of victimization, like direct victimization, is associated with negative effects, and neglecting them and not trying to reduce the negative effects of this type of victimization will be detrimental to the penal system.

This article seeks to answer the question of how to provide comprehensive support to vicarious victims in Iran's criminal system, just like direct victims. According to the nature of the subject and the desired goals, the present research is qualitative in terms of type and descriptive and analytical in terms of method.

The results show that vicarious victimization has not been properly considered in Iran's criminal system. In order to eliminate the existing gaps in the field of protection of vicarious victims and to try to minimize the risks and complications of this matter, criminological solutions, both therapeutic-supportive and preventive, as well as legal solutions, i.e., passing the law, can be used. Also, various individual and social efforts as well as the efforts of the criminal justice system should target not only the people who are personally victimized, but also those who witness being victimized in their communities. For individuals who experience victimization vicariously, helping to build positive social support networks and enhancing self-esteem may prevent delinquency in general and violent delinquency in particular, as well as reduce the risk of other negative outcomes.

**Cite this article:** Saberi, Razieh; Saffary, Ali & Vojdani fahr, Mahdieh (2023). "Vicarious Victimization and its Reduction Strategies in Iran's Criminal System", *Criminal Law and Criminology Studies*, 52 (2): 169-194, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.350741.1793>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.350741.1793>



## بزه‌دیدگی نیابتی و راهبردهای مقابله با آن در نظام کیفری ایران

راضیه صابری<sup>۱</sup> | علی صفاری<sup>۲</sup> | مهدیه وجدانی فخر<sup>۳</sup> ✉

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

رایانامه: [r.saberi@srbiau.ac.ir](mailto:r.saberi@srbiau.ac.ir)

۲. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. رایانامه: [a-saffary@sbu.ac.ir](mailto:a-saffary@sbu.ac.ir)

۳. نویسنده مسئول، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، پژوهشکده حقوقی شهر دانش، تهران، ایران. رایانامه: [vejdatani@sdil.ac.ir](mailto:vejdatani@sdil.ac.ir)

### اطلاعات مقاله

### چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۱/۸/۲۰

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۱/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۱۱/۲۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۱/۱۲/۲۴

کلیدواژه‌ها:

بزه‌دیده مستقیم،

بزه‌دیده نیابتی،

پیشگیرانه،

حقوقی،

درمانی-حمایتی.

مراد از بزه‌دیده نیابتی هر فردی است که در اثر مشاهده، شنیدن و یا رسانه‌ای شدن اخبار جرم به‌نوعی دچار آسیب روحی، روانی و سایر آسیب‌هایی می‌شود که زندگی چنین شخصی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. تا به امروز همواره صحبت از بزه‌دیدگان مستقیم جرائم و راهبردهای حمایتی-تقنینی از آنان در قوانین بوده است. غافل از آنکه بزه‌دیدگان نیابتی نیز نیازمند توجه از سوی نهادهای مختلف و نظام عدالت کیفری هستند؛ چراکه این نوع بزه‌دیدگی همانند بزه‌دیدگی مستقیم با آثار منفی همراه است که بی‌توجهی به آنان و عدم تلاش برای کاهش آثار منفی این نوع بزه‌دیدگی به ضرر نظام کیفری خواهد بود.

مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که چگونه می‌توان همانند بزه‌دیدگان مستقیم زمینه حمایت همه‌جانبه را از بزه‌دیدگان نیابتی در نظام کیفری ایران فراهم کرد؟ پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوع و اهداف موردنظر از حیث نوع، کیفی و از نظر روش، توصیفی و تحلیلی است.

نتایج نشان می‌دهد تا به امروز بزه‌دیدگی نیابتی در نظام کیفری ایران به‌درستی مورد توجه قرار نگرفته است. به‌منظور برطرف کردن خلأهای موجود در زمینه حمایت از بزه‌دیدگان نیابتی و تلاش برای به حداقل رساندن خطرات و عوارض این مهم، با راهکارهای جرم شناسانه اعم از درمانی-حمایتی و پیشگیرانه و همچنین راهکار حقوقی، یعنی تصویب قانون می‌توان اقدام کرد. همچنین تلاش‌های فردی و اجتماعی مختلف و نیز تلاش نظام عدالت کیفری باید نه تنها افرادی را که شخصاً قربانی می‌شوند، بلکه کسانی را که شاهد قربانی شدن در جوامع خود هستند، نیز هدف قرار دهد. برای افرادی که قربانی شدن را به‌صورت نیابتی تجربه می‌کنند، کمک به ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی مثبت و افزایش عزت‌نفس ممکن است از بزهکاری به‌طور کلی و بزهکاری خشونت‌آمیز به‌طور خاص جلوگیری کند و هم‌چنین خطر سایر پیامدهای منفی را کاهش دهد.

**استناد:** صابری، راضیه؛ صفاری، علی و وجدانی فخر، مهدیه (۱۴۰۱). بزه‌دیدگی نیابتی و راهبردهای مقابله با آن در نظام کیفری ایران،

مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲ (۵۲)، ۱۶۹-۱۹۴.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.350741.1793>



© نویسندگان.

ناشر: انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2023.350741.1793>

## ۱. مقدمه

در دهه‌های اخیر توجه و آگاهی به بزه‌دیدگی نیابتی<sup>۱</sup> افزایش یافته که این مسئله به واکنش‌ها و حمایت‌های کیفری و عاطفی-حیثیتی نسبت به بزه‌دیدگان نیابتی منجر شده است. در معنای نخستین و آنچه اغلب به ذهن متبادر می‌شود منظور از بزه‌دیده نیابتی آن است که فرد می‌تواند به‌جای فرد بزه‌دیده در دادرسی شرکت و دفاع و حتی رأی بگیرد. در فرضی مانند قتل، اگرچه بزه‌دیده مستقیم فردی است که به قتل رسیده است و خانواده و دوستان فرد به قتل رسیده، بزه‌دیده دومین هستند، اما ایشان در صورت شکایت و اقدام قانونی بزه‌دیده نیابتی نیز خواهند بود. با این وجود، امروزه دامنه استفاده از این مفهوم و تعمیم‌پذیری آن در حال گسترش است و از منظر حقوقدانان، به‌ویژه حقوقدانان غربی مراد از بزه‌دیده نیابتی هر فردی است که در اثر مشاهده، شنیدن و یا رسانه‌ای شدن اخبار جرم به‌نوعی دچار آسیب روحی و روانی و سایر آسیب‌هایی می‌شود که زندگی چنین شخصی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در حقیقت، بزه‌دیدگی نیابتی فرایندی است که در اثر تعامل و هم‌نشینی با افراد بزه‌دیده رخ می‌دهد و فرض می‌شود که یک رابطه علی بین همدلی عاطفی بزه‌دیده نیابتی و بزه‌دیده مستقیم از جرم وجود دارد و این احساس در مواردی که بزه‌دیده مستقیم، فردی از نزدیکان، گروه یا طبقه خاص و مورد علاقه بزه‌دیده نیابتی باشد آسیب وارد بر او دوچندان خواهد شد. از منظر روان‌شناختی نیز، شخصی که دچار بزه‌دیدگی نیابتی می‌شود واکنش‌های عاطفی بزه‌دیدگان و بازماندگان را تجربه می‌کند و اگر شخصی در گذشته، خودش بزه‌دیدگی را تجربه کرده باشد، این واکنش‌ها می‌تواند تشدید شود.

بزه‌دیدگی نیابتی در معنای بسط‌یافته، در ابتدا بیشتر متمرکز بر گروهی خاص از جمله روان‌شناسان، روان‌پزشکان، مددکاران اجتماعی، آتش‌نشانان، افسران پلیس و قضات بود؛ اما امروزه این مفهوم گسترش یافته و طیف وسیع‌تری از افراد از جمله کودکان، دوستان و ساکنان یک محله را نیز در برمی‌گیرد (Scheeringa et al., 2012: 361).

در پژوهش حاضر مفهوم بسیط بزه‌دیدگی نیابتی مدنظر است و منظور از این مفهوم پدیده‌ای است که از طریق آن مردم از بزه‌دیدگی شخص یا اشخاص دیگر آسیب می‌بینند. این امر در اثر آگاهی از هر حادثه‌ای، از بزه‌دیدگی تا اعمال تروریستی و جنگی اتفاق می‌افتد.

مطالعات حاکی از آن است افرادی که بزه‌دیدگی نیابتی را تجربه کرده‌اند دچار اختلالات روانی پس از حادثه و اضطراب خواهند شد. شایع‌ترین اختلال‌ها شامل افسردگی، سوء‌مصرف مواد و الکل، اختلال اضطرابی به‌خصوص حملات وحشت‌زدگی، پرخاشگری، هجوم احساسات و

افکار مربوط به خودکشی، افکار پارانویید، اختلال شدید در عملکرد روزانه، مشکلات خانوادگی هستند. داشتن نقش کنشگرانه در بروز یک رخداد یا آسیب نیز منجر به آن می‌شود که بازمانده‌ها احساس گناه کنند و این مسئله می‌تواند آنها را نسبت به ابتلا به افسردگی و PTSD<sup>۱</sup> مستعد کرده یا آن را تشدید کند (عبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۲).

مؤلفه‌هایی که به بزه‌دیدگی نیابتی منجر می‌شود شامل شنیدن و مشاهده مستقیم یا رسانه‌ای تصاویر وحشتناک، هولناک و تکان‌دهنده یک رویداد یا آسیب است که به کاهش ایمنی بدن، عدم اعتماد به اطرافیان، تغییرات خلق و خوی، برانگیختگی و کاهش عزت نفس منجر می‌شود (Jenkins & Baird, 2002: 428). برای نمونه درباره قتل، بزه‌دیدگان نیابتی کسانی هستند که مرتکب آنان را به قتل نرسانده است، بلکه خانواده و دوستان بازمانده هستند که فرد دوست‌داشتنی آنان به قتل رسیده است. اگرچه در جرائم ارتكابی علیه تمامیت جسمانی مانند قتل که یکی از خشونت‌آمیزترین جرائم است، بزه‌دیده قتل متحمل بیشترین آسیب شده است، اما بزه‌دیدگی دیگر افراد را نباید مورد غفلت قرار داد. در جرم‌های ارتكابی خشونت‌آمیز، مانند زن‌کشی و فرزندکشی، آثار مخربی برای دیگر افراد خانواده از جمله خواهر/برادر و مادر که فرزند و یا خواهر/برادر خود را از دست داده‌اند، به‌همراه دارد و این بزه‌دیدگان نیابتی در پی وقوع رخداد فوق آسیب‌های فراوانی می‌بینند. آنان ممکن است دچار احساس ترس، اندوه، فقدان، خشم و آشفتگی شوند و در سطح تقنینی هم حمایت‌های جدی از این افراد نمی‌شود و بعضاً خودشان از کمک‌های تخصصی بهره می‌گیرند (خاشی، ۱۳۹۳: ۱۱۸۸).

هدف از این نوشتار پاسخ‌دهی به این پرسش است که چگونه می‌توان همانند بزه‌دیدگان مستقیم زمینه حمایت همه‌جانبه را از بزه‌دیدگان نیابتی در نظام کیفری ایران فراهم کرد؟ زیرا تا به امروز بزه‌دیدگی نیابتی در نظام کیفری ایران به‌درستی مورد توجه قرار نگرفته است و نگارندگان درصددند تا خلأ موجود در این زمینه را برطرف سازند و همچنین خطرها و عوارض این مهم را از منظر آموزه‌های جرم‌شناسی به حداقل رسانند تا شاهد بروز بزه‌دیدگی نیابتی و متعاقب آن بزهکاری در آینده نباشیم.

در راستای دستیابی به هدف فوق ابتدا به بیان حالات مختلف تحقق بزه‌دیدگی نیابتی و تأثیرات این نوع بزه‌دیدگی بر زندگی افراد از سه بعد اختلالات روانی، کاهش حس امنیت و زمینه‌سازی بزهکاری در آینده پرداخته می‌شود. سپس با توجه به یافته‌های تحقیقات سابق راهبردهای حقوقی و پیشگیرانه مقابله با بزه‌دیدگی نیابتی و تبعات منفی آن ارائه می‌شود.

## ۲. انواع بزه‌دیدگی نیابتی

راه‌های متعددی هست که فشار ناشی از بزه‌دیدگی به‌صورت نیابتی بر افراد تحمیل شود؛ افراد ممکن است مستقیماً شاهد بزه‌دیده شدن دیگران باشند (مانند مشاهده حمله به دیگری)، ممکن است صدای بزه‌دیده شدن دیگران را بشنوند (مثلاً شنیدن صدای شلیک گلوله به دیگری یا شنیدن صدای فریاد شخص مورد حمله)، و در نهایت ممکن است درباره بزه‌دیدگی دیگران به‌طور مستقیم (مثلاً از جانب قربانیان) و یا غیرمستقیم (برای مثال رسانه‌ها) آگاه شوند. در ادامه به‌تفصیل هریک از انواع حالات بزه‌دیدگی نیابتی بیان می‌شود.

### ۲.۱. بزه‌دیدگی نیابتی مستقیم (مشاهده تصویری و شنیداری بزه‌دیده شدن)

تا به امروز بیشتر تحقیقات در خصوص بزه‌دیدگی، بر تجارب بزه‌دیدگی مستقیم متمرکز شده است تا بر تجارب بزه‌دیدگی نیابتی، درحالی‌که احتمال بزه‌دیدگی نیابتی ناشی از مشاهده جرم و یا شنیدن صدای قربانیان در هنگام ارتکاب جرم در سطح جامعه در معرض سطوح بالایی قرار دارد. این فرضیه وجود دارد که فشار ناشی از شاهد قربانی شدن چه به‌صورت تصویری و چه به‌صورت شنیداری، احتمالاً به تأثیرات نامطلوبی مانند خشم منجر می‌شود که می‌تواند به پیامدهای منفی در زندگی بزه‌دیده نیابتی بینجامد (Blevins et al., 2010: 155).

دو حوزه‌ای که در خصوص بزه‌دیدگی نیابتی از طریق مشاهده جرم بیشتر مورد بحث و گفت‌وگو واقع شده است، مواجهه با خشونت در جامعه و شاهد خشونت خانگی بودن در دوران کودکی است. فردی که در خانه یا در اجتماع در معرض تماشای خشونت قرار گیرد، اغلب پیامدهای مخرب متعددی گریبانگیر او در آینده خواهد شد. درحالی‌که بسیاری از ادبیات‌میدانی موجود در خصوص مواجهه با خشونت عمدتاً بر کودکان متمرکز است، شواهدی وجود دارد که پیامدهای آن به‌طور بالقوه بر کل افراد جامعه در زندگی بعدی تأثیر می‌گذارد و هنگامی که عواقب مشاهده خشونت در طول زندگی در نظر گرفته شود، به‌نظر می‌رسد که اثرات بالقوه طولانی‌مدتی را بجای می‌گذارد. اگرچه ممکن است انتظار داشته باشیم که نتایج بزه‌دیدگی نیابتی بر اساس نوع خشونتی که شخص شاهد آن بوده است، متفاوت باشد، اما تحقیقات نشان می‌دهد چه خشونت روانی و چه خشونت فیزیکی آسیب‌های روانی جدی و زیادی را برای آینده بزه‌دیده نیابتی به‌همراه دارد. به این ترتیب، منطقی است که ادعا گردد شاهد قربانی شدن یا بزه‌دیدگی نیابتی ممکن است به نتایج مشابه بزه‌دیدگی مستقیم منجر شود، زیرا بر برداشت افراد از احتمال قربانی شدن آنها می‌تواند تأثیر مستقیم بگذارد و پیامدهای منفی در زندگی آینده بزه‌دیده نیابتی به‌همراه داشته باشد.

## ۲.۲. بزه‌دیدگی نیابتی غیرمستقیم (شنیدن اخبار محلی و گزارش رسانه‌ای بزه‌دیدگی)

انتشار و انتقال تجربیات بزه‌دیدگی افراد در یک سطح کوچک مانند صحبت بین دوستان، همسالان و همسایگان در اجتماع محلی و اطلاع دادن به یکدیگر در مورد نحوه و چگونگی بزه‌دیده شدنشان و یا در سطح بزرگ و کلان از طریق نشر در رسانه‌های ملی و محلی و یا فضای مجازی می‌تواند زمینه بزه‌دیدگی نیابتی غیرمستقیم افراد را فراهم سازد. شخصی که در یک محله بزه‌دیده جرمی خاص مانند سرقت می‌شود، بزه‌دیده مستقیم جرم سرقت به‌شمار می‌رود که به‌تبع بزه‌دیده شدنش احساس امنیت او در این محله کاهش می‌یابد. هنگامی که بزه‌دیده مستقیم به بیان تجربه بزه‌دیدگی خود در میان همسایگان در آن محله می‌پردازد، احساس امنیت ساکنان این محله نیز کاهش می‌یابد و به‌طور نیابتی بزه‌دیدگی و آثار آن، یعنی کاهش احساس امنیت را تجربه می‌کنند. بنابراین، انتشار توصیف قربانی شدن در یک جامعه کوچک و یا بزرگ سبب می‌شود تا دیگرانی هم که بزه‌دیده نشده‌اند به‌صورت نیابتی آثار بزه‌دیدگی را تجربه کنند؛ چراکه افراد در ارزیابی سطح ایمنی خود در جامعه به‌شدت به تجارب دیگران نیز اهمیت می‌دهند (Drakulich, 2015: 179).

نتایج تبعی گسترش بزه‌دیدگی نیابتی آن است که محله بنا بر گفتمان خود اهالی برچسب یک محله ناامن را می‌خورد و از منظر اقتصادی قیمت منازل در آن محله با افت روبه‌رو خواهد شد که این خود نوعی بزه‌دیدگی مالی برای ساکنان محله محسوب می‌شود. همچنین سایر مردم که لازم است برای انجام برخی امور خود به این محله بیایند با توجه به مشهور شدن محله به ناامنی از همان ابتدای تصمیم برای رفتن به چنین محله‌ای ترس بسیار شدیدی را تحمل می‌کنند. برای مثال پس از انتشار خبر کشته شدن کارگردان جوان توسط پدرش در منطقه اکباتان و همچنین انتشار فیلم خانگی قورباغه که در خصوص محله اکباتان است، در پی گفت‌وگو با برخی افراد معلوم شد افراد از شنیدن اسم این محله و رفتن به آن احساس ترس می‌کنند. علاوه بر این، نوجوانان و جوانان ساکن و پرورش‌یافته در محله‌ای با برچسب ناامنی از منظر خاص به مرور از جامعه فاصله می‌گیرند و اقدام به تشکیل گروه‌های مجرمانه با همان ویژگی برچسب‌زده در آن محله می‌کنند. برای مثال فرض شود در یک محله‌ای چند نفر بزه‌دیده چاقوکشی و باج‌گیری شده باشند. هنگامی که این افراد به بیان تجربیات بزه‌دیدگی خود در این خصوص در نزد دیگران اعم از افراد محلی یا غیرمحلی می‌پردازند، احساس امنیت در این محله در دید همگان کاهش می‌یابد که خود بزه‌دیدگی نیابتی است. به مرور زمان آن محله به‌عنوان یک محله چاقوکش و باج‌گیر شناخته می‌شود. علاوه بر تأثیر اقتصادی که از حیث کاهش قیمت ملک در آن محله بجای می‌گذارد، جوانان و نوجوانان پرورش‌یافته در آن محله در نزد همگان به‌عنوان افرادی خشن و چاقوکش شناخته می‌شوند و برچسب محله بر روی پیشانی افراد ساکن

در آن محله می‌خورد و از سوی جامعه طرد می‌شوند. با طرد شدن اجتماعی، افراد ساکن در این محله اقدام به تشکیل گروه‌های مجرمانه با همان خصوصیت برجسته شده بر محله خواهند کرد. همچنین سایر اقشار مردم از رفتن به چنین محله‌ای ترس شدیدی دارند. بنابراین آثار بزه‌دیدگی نیابتی در چنین حالتی اثرات اقتصادی و بزه‌دیدگی-بزهکاری خواهد بود.

این نمونه کوچک محلی قابل گسترش در سطح جامعه نیز است. پدیده‌ای که در حال حاضر، کشور به شدت با آن روبه‌روست، پدیده مجرمانه ارتشاست. هنگامی که رسانه ملی از دریافت رشوه توسط نهادهای دولتی به صورت مکرر خبر می‌دهد، علاوه بر افرادی که بزه‌دیده مستقیم درخواست رشوه هنگام مراجعه به ارگان‌های دولتی شده‌اند و حس امنیت نسبت به اقدام قانونی کارمندان دولتی در آنها کاهش یافته، دیگران نیز که این اخبار را از رسانه ملی می‌شنوند احساس امنیت آنها در هنگام مراجعه به نهادهای دولتی کاهش می‌یابد و همواره منتظر شنیدن درخواست رشوه از سوی کارمند هستند. به مرور و در اثر رسانه‌ای شدن بیش از حد ارتشا این قضیه به حدی گسترش می‌یابد که افراد جامعه دریافت رشوه را فرهنگ غالب بر نهادهای دولتی تلقی کرده و برجسته رشوه‌گیر بودن کارمندان بر نهادهای دولتی نقش می‌بندد. به دنبال این برجسته عقیده جامعه این می‌شود که نهادهای دولتی بدون پرداخت رشوه کاری را انجام نخواهند داد، لذا چنانچه کارمندی از آنها مطالبه رشوه نکند، خود مردم با این تصور غالب در اذهانشان اقدام به پیشنهاد رشوه می‌کنند، چون معتقدند در غیر این صورت کارشان در مسیر قانونی انجام نخواهد شد. از این رو انتشار بیش از حد صرف اخبار جرم در رسانه و بزه‌دیده شدن نیابتی افراد جامعه در پی انتشار اخبار جرم، سبب کاهش حس امنیت آنان و زمینه‌ساز بزهکاری بزه‌دیدگان نیابتی غیرمستقیم در آینده خواهد شد.

نمونه عملی بزه‌دیدگان نیابتی غیرمستقیم در تاریخ جهان در پی گزارش رسانه‌ای بزه‌دیدگی، مردم آمریکا بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ هستند. پس از سال‌ها از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، آمریکایی‌ها عمدتاً از طریق رسانه‌ها، با تصاویری دقیق از فاجعه، داستان‌های عمیق قربانیان و بحث‌های به ظاهر بی‌پایان درباره علل و پیامدهای چنین رویدادی در معرض تراژدی‌های متعددی قرار گرفته‌اند. مردم آمریکا در مورد افرادی که مستقیماً تحت تأثیر فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قرار گرفته‌اند، توانستند چیزهای زیادی از طریق رسانه‌ها بیاموزند و در این زمینه خود را شبیه به کسانی که از بین رفته‌اند تصور کنند. اصطلاح «بزه‌دیدگی نیابتی» در اینجا برای اشاره به افرادی استفاده می‌شود که به‌طور فیزیکی در حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر درگیر نبوده‌اند، هیچ ارتباطی با هیچ‌یک از بزه‌دیدگان مستقیم این حادثه نداشتند و در حرفه امداد و کمک‌رسانی نیز نقش نداشتند، اما احساس می‌کردند شبیه به قربانیان بودند (Wayment, 2004: 519). در بسیاری از اعمال تروریستی، ایجاد بزه‌دیدگی نیابتی یکی از اهداف اصلی مرتکبان است.

پوشش رسانه‌ای بسیار گسترده حادثه ۱۱ سپتامبر و قرار گرفتن در معرض رسانه سبب شده توانایی افراد برای «همزادپنداری» با بزه‌دیدگان مستقیم این حادثه افزایش یابد. قرار گرفتن در معرض اطلاعات دقیق در مورد قربانیان چنین تراژدی این احتمال را افزایش داد که احساسات منفی مانند غم، اندوه، اضطراب و استرس و ترس از گروه و طیف خاص در اذهان اشخاص شکل بگیرد (Parkes, 1972: 58). نتیجه احساسات منفی ظهور رفتارهای بزهکارانه علیه همگان یا گروه خاص است. زمانی که حادثه ۱۱ سپتامبر از سوی رسانه‌ها به‌عنوان یک حادثه تروریستی برنامه‌ریزی شده از سوی مسلمانان معرفی شد مردم آمریکا ترس شدیدی را نسبت به مسلمانان پیدا کردند و همچنین حس انتقام در میان مردم آمریکا به‌عنوان بزه‌دیدگان غیرمستقیم این حادثه شکل گرفت. حس انتقام و یا ترس از مسلمانان به‌صورت تحقق جرم علیه مسلمانان بروز پیدا کرد و زمینه‌ساز جرائم نفرت‌آمیز<sup>۱</sup> علیه مسلمانان در آمریکا شد.

رسانه‌ها اغلب به‌طور صریح برای بیان موضوعاتی طراحی شده که ترسناک هستند، مانند ایده‌ای که هرکس می‌تواند به‌طور اتفاقی در حالتی بی‌رحمانه مورد حمله قرار گیرد. خبرهای بد بیش از خبرهای خوب فروش دارند و هر اندازه جرم فجیع‌تر باشد، توجه بیشتری را برمی‌انگیزد (اهلین، ۱۳۹۳: ۱۱۸۹). به همین ترتیب، داستان‌هایی با خصوصیات تکان‌دهندگی، هرزگی و عجیب و غریب و وهمی احتمالاً بیشتر توجه رسانه‌ها را جلب می‌کنند. هرچند نفعی در جلب توجه رسانه‌ها درباره گرفتاری بزه‌دیدگان وجود دارد، لیکن موجب افزایش بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه می‌شود و انتشار این دسته از اخبار بر کیفیت زندگی چنین بزه‌دیدگانی اثر منفی دارد. در این زمینه برخی از متخصصان بهداشت روانی این نظریه را مطرح کردند که افشای همه‌جانبه اعمال جزیایی خشونت‌بار، در تسری و تعمیم افسردگی و اختلال مرتبط با اضطراب مؤثر است. علاوه‌بر این، هدف بسیاری از رسانه‌ها در انتشار اخبار جرم و گسترش بزه‌دیدگی نیابتی هدف تجاری و به‌منظور فروش محصولات و خدمات امنیتی برای مشتریان آسیب‌پذیر و وحشت‌زده است. در این مورد، بزه‌دیدگی نیابتی به‌عنوان امر و عمل بازاریابی برای فروش محصولات مثل دستگاه‌های هشداردهنده و وسایل حمایتی شخصی به‌کار می‌روند (پترسون، ۱۳۹۳: ۱۳۶۲-۱۳۶۳). برای مثال انتشار مداوم اخبار حمله با اسلحه در مکان‌های مختلف مانند مدرسه، پارک، جایگاه سوخت در رسانه‌های آمریکا و عدم موافقت دولت در محدود کردن دسترسی به اسلحه باعث افزایش ترس از جرم و به‌تبع بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه و تلاش بیشتر مردم برای دستیابی به سلاح‌های با قدرت بیشتر به‌عنوان ابزار دفاع شخصی است. بدین ترتیب انتشار این دسته از اخبار جنایی و ایجاد ترس در جامعه و گسترش بزه‌دیدگان نیابتی باعث افزایش تقاضا برای خرید اسلحه می‌شود و این امر به نفع صنعت تولید سلاح در جامعه آمریکا است. بنابراین، پوشش دائمی اخبار جنایی در

1. Hate crime



رسانه‌ها بر مردم تأثیر می‌گذارد و سبب دامن زدن به ترس از جرم می‌شود و به تبع این امر بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه تشدید می‌شود.

### ۳. آثار بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه

آثار بزه‌دیدگی نیابتی در سه قالب تأثیر بزه‌دیدگی بر اختلالات روانی، تأثیر بر افزایش ترس از جرم و کاهش احساس امنیت و در نهایت تأثیر آن بر گرایش به بزهکاری قابل بحث و بررسی است.

#### ۳.۱. اختلالات روانی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی

اختلال استرس پس از آسیب چه به صورت مستقیم و چه به صورت نیابتی، واکنش شایعی است که انسان‌ها در مقابل رویدادهای بسیار استرس‌زا یا آسیب‌زا از خود نشان می‌دهند. پس از درک این مهم، با استفاده از دانش پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌شناسی، انواع تدابیر حمایتی روانی و عاطفی برای کاهش آثار آسیب‌های واقعه مجرمانه و تلاش برای بازتوانی بزه‌دیده ارائه می‌شود. رویدادهای متفاوتی می‌تواند منجر به اختلال استرس پس از آسیب شوند؛ مثلاً تصادف، مورد تهاجم قرار گرفتن یا قربانی جنایت شدن، مورد تجاوز جسمی یا جنسی قرار گرفتن، عوامل قهری مانند سیل یا انفجار یا شاهد مرگ یا جنایت بر دیگری بودن (خدادی، ۱۳۹۵: ۱۴۱). بیماری PTSD به دلیل ایجاد اشکال در عملکرد اجتماعی، افزایش فشارهای روحی و تهدید وضعیت سلامتی، تأثیر منفی در فرد، خانواده و اجتماع می‌گذارد. اغلب افراد یک رویداد تنش‌زا را تا پایان عمر به یاد دارند. این اختلال در اثر اتفاقات مهم زندگی مانند فوت یک عزیز یا طلاق گرفتن حتی از یک همسر ناشایست و ضربه‌های عاطفی ممکن است رخ دهد. رؤیاهای ترسناک و بدون مفهوم، وحشت‌های بی‌دلیل، انجام بازی‌های تکراری و حالت‌های در خود فرورفتگی از علائم اختلال استرس حاد پس از سانحه در کودکان است. در صورت درمان نشدن ممکن است به اضطراب‌های شدید، از کارافتادگی و گاهی افسردگی و اختلالات جسمی منجر شود. در تحقیقات بسیاری ارتباط بین بزه‌دیدگی نیابتی از طریق مشاهده خشونت و آزار جسمی و کلامی، به‌ویژه در دوران کودکی و مشکلات روانی مانند ناراحتی‌های عاطفی، اضطراب و سایر آسیب‌های روانی در آینده به اثبات رسیده است. (Gaylord- Harden et al., 2011:715; Overlien, 2010: 91; Listwan et al., 2010:1153; Diamond & Muller, 2004: 301) علاوه بر این، در مطالعه‌ای در محیط زندان، نشان داده شده زندانیانی که در حین زندان شاهد خشونت بوده‌اند پس از آزادی و ورود به اجتماع در مقایسه با زندانیانی که شاهد خشونت نبوده‌اند، سازگاری روان‌شناختی ضعیف‌تری دارند (Boxer et al., 2009: 800).

در رویدادی در ایالت فلوریدا نگهبان یک مدرسه وارد کافه‌ای شد که مملو از دانش‌آموزان بود وی با تفنگ ساچمه‌ای به قفسه‌ی سینه‌ی مدیر مدرسه شلیک کرد. درحالی‌که کودکان و دیگر معلمان شاهد چنین رویدادی بودند، قاتل کافه را ترک کرد، بعد از آن مشاوران برای ارائه‌ی مشاوره از جمله برنامه‌های حفاظت از کودکان و ارتقای بهبود عاطفی آن‌ها به افراد حاضر در بحران گرد هم آمدند. مسئولان مدرسه، والدین را در جریان این رویدادها قرار دادند و پیشنهادهایی برای کمک به فرزندانشان برای غلبه بر این رویداد شدید ارائه کردند و همه قربانیان از جمله والدینشان تحت مراقبت قرار گرفتند (Figley & Kleber, 1995: 87).

میزان شیوع اختلال استرس پس از آسیب در دختران دو برابر پسران است. علت دقیق این موضوع ناشناخته است، اما احتمالاً ناشی از عوامل فیزیولوژیک و روان‌شناختی است. در مکان‌هایی که آسیب برای هر دو جنس به یک میزان اتفاق می‌افتد (مانند حوادث طبیعی)، در دختران به دلایل ناشناخته و یا کمتر شناخته‌شده، به‌طور معناداری بروز علائم اختلال استرس پس از آسیب در سال‌های بعد افزایش می‌یابد. علاوه بر جنسیت یکی دیگر از عواملی که فرد را مستعد این اختلال می‌کند، طول مدت شرایط استرس است. در مجموع نشانه‌های این اختلال اگر توسط فرد دیگری رخ دهد، نظیر آنچه در تجاوز جنسی اتفاق می‌افتد، به مراتب بدتر از زمانی است که در اثر یک حادثه طبیعی مانند سیل اتفاق می‌افتد. به نظر می‌رسد این نقش توسط نژاد/ قومیت/ سن و جنس تشدید می‌شود (Lo et al., 2021: 506). از دیگر آسیب‌های وارد بر بزه‌دیدگان، اختلالاتی است که در روح و روان فرد ایجاد می‌شود. حمایت‌های عاطفی به‌منزله کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌گردد. مرحله واکنش روانی در مقابل بحران بزه‌دیدگی نیز بلافاصله پس از وقوع جرم رخ می‌دهد. در این حالت به بزه‌دیده احساسی شبیه به شوک دست می‌دهد. بعضی از آنها نمی‌توانند غذا بخورند یا بخوابند. بعضی دیگر ممکن است اساساً رخداد جرم را منکر شوند این مرحله ممکن است از چندین ساعت تا چندین ماه پس از جرم به طول بینجامد و نوسانات زیادی در رفتار بزه‌دیده مشاهده شود. قرار گرفتن در مرحله بازگشت که در طول این مرحله بزه‌دیده تلاش می‌کند تا واقعیت رخ داده، یعنی جرم را بپذیرد و شخصیت خود را دوباره بازسازی کند، بعضی بزه‌دیدگان ممکن است ساعت‌ها بنشینند و به انتقام فکر کنند که به‌ویژه این امر در جرائمی که به اعتبار نسبت بزه‌دیده (مانند خویشاوندکشی، فرزندکشی، خواهر-برادرکشی) اتفاق می‌افتد بیشتر است (وجدانی فخر و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹).

### ۲.۳. ترس از جرم ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی

با بسط مدل بزه‌دیدگی از بزه‌دیدگی مستقیم تا بزه‌دیدگی نیابتی، محققان امروزه به تأثیر

بزه‌دیدگی نیابتی بر ترس از جرم پی برده‌اند. در حقیقت، محققان حوزه جرم‌شناسی با مطالعات میدانی بدین نتیجه رسیده‌اند که آگاهی از قربانی شدن دیگران بر ترس شخصی فرد از جرم تأثیر می‌گذارد و اشخاصی که از قربانی شدن دیگران آگاهی می‌یابند نسبت به افرادی که این آگاهی را ندارند، سطوح بالاتر ترس از جرم را تجربه می‌کنند (Skogan & Box et al., 1988: 353; Maxfield, 1981: 49; Ferraro, 1996: 681). تحقیقات صورت گرفته در زندان هم نشان می‌دهد دیدن یا شنیدن تجاوز جنسی در محیط زندان سبب ترس و هراس بیش از حد زندانیان از قربانی شدن جنسی می‌شود (Smith & Batiuk, 1989: 34; McCorkle, 1993: 36). اگرچه بسیاری از مطالعات از نظریه تأثیر بزه‌دیدگی نیابتی بر ترس از جرم حمایت می‌کنند، اما برخی تحقیقات این رابطه را مورد تردید قرار داده و نشان می‌دهند که احتمال ترس از جرم در اشخاصی که بزه‌دیدگی را به‌طور نیابتی تجربه می‌کنند، نسبت به کسانی که تجربه بزه‌دیدگی نیابتی را ندارند، بیشتر نیست (Kirk, 1988: Mesch, 2000: 57; Fox & Nobles, 2009: 29). (218).

### ۳.۳. بزهکاری ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی

نوشتگان علوم جنایی حاکی از آن است که رابطه‌ای بین بزه‌دیدگی و متعاقب آن بزهکاری در آینده وجود دارد. مطالعاتی که عوامل خطر ساز زمینه‌ای برای رفتار خشونت‌آمیز را بررسی کرده‌اند، رابطه ثابتی را بین قربانی شدن و ارتکاب خشونت نشان داده‌اند (Lo et al., 2021: 509). نظریه فشار عمومی آگنیو بینشی در مورد رابطه بین بزه‌دیدگی و جرم ارائه می‌دهد. نظریه‌های فشار بر شرایط خاصی تمرکز می‌کنند که به شکل فشار ساخت اجتماعی بر افراد یا گروه‌هایی از جامعه به‌ویژه طبقه‌های اجتماعی - اقتصادی فرودست وارد می‌شود. این نظریه‌ها استدلال می‌کنند که افراد وقتی نمی‌توانند با ابزارهای مشروع آنچه را می‌خواهند به‌دست آورند، دست به ارتکاب کژروی و بزهکاری می‌زنند و بنابراین به سه طریق نظریه‌های فشار می‌تواند بر زندگی یک فرد تأثیر بگذارد و او را به سمت بزهکاری هدایت کند (Baron, 2009: 449). در اینجا به بررسی بزه‌دیدگی یا فشار نیابتی و ارتباط آن با بزهکاری در آینده پرداخته می‌شود. بر اساس فرضیه فشار نیابتی، فشار یا رفتار منفی که توسط دیگران تجربه می‌شود ممکن است بر احساسات و رفتار افرادی که صرفاً شاهد آن هستند تأثیر بگذارد، به‌ویژه افرادی که در اطراف بزه‌دیده مستقیم قرار دارند (برای مثال اعضای خانواده، دوستان و ساکنان محله). آگنیو استدلال می‌کند که بزه‌دیدگی نیابتی ممکن است افراد را ناراحت کند، زیرا اشخاصی که به آنها اهمیت می‌دهند، آسیب دیده‌اند و در نهایت آنها را تحت فشار قرار می‌دهد تا به شیوه‌ای

انحرافی کنار بیابند (Agnew, 2002: 608). او دلایلی را ارائه می‌کند که چرا فشار نیابتی ممکن است باعث بزهکاری شود. به‌طور خاص، افراد ممکن است برای ۱. جلوگیری از آسیب بیشتر به کسانی که به آنها اهمیت می‌دهند، یا ۲. به‌منظور انتقام گرفتن از کسانی که معتقدند مسئول آسیب هستند، و ۳. برای کاهش احساسات منفی دست به بزهکاری بزنند (Agnew, 2001: 324). طبق نظریه فشار، بزه‌دیدگی نیابتی می‌تواند به‌عنوان یک عامل استرس‌زا عمل کند. تجربه استرس باعث ایجاد احساسات منفی از جمله عصبانیت و خشم، اضطراب، افسردگی، ترس و ناامیدی می‌شود. اگنیو بین احساسات منفی درونی (برای مثال افسردگی) و احساسات بیرونی (مانند خشم) تفاوت قائل می‌شود و این فرضیه را مطرح می‌کند که احساسات بیرونی احتمالاً باعث انحراف و بزهکاری بیرونی مانند پرخاشگری و خشونت می‌شود و در مقابل، احساسات درونی احتمالاً منجر به اعمالی مانند روی‌آوری به مصرف مواد مخدر و مانند آن و یا خودکشی می‌شود. در این میان، خشم مهم‌ترین واکنش عاطفی به وضعیت خاص است و بیشتر برای رفتار مجرمانه و بزهکارانه بیرونی مساعد است (Agnew, 1992: 68). مقابله با استرس و احساسات منفی مرتبط با آن ممکن است به اشکال مشروع و نامشروع تحقق یابد که این امر به عوامل متعدد، از جمله در دسترس بودن فرصت‌های مشروع و نامشروع، حضور همسالان بزهکار، یادگیری قبلی نگرش‌های اجتماعی یا بزهکارانه، حمایت اجتماعی و منابع شخصی مانند عزت نفس، تسلط و مهارت‌های مقابله بستگی دارد (Agnew, 1992: 74). بنابراین بزه‌دیدگی نیابتی به‌عنوان یک عامل استرس‌زا می‌تواند به پیامدهای بزهکارانه کمک کند، زیرا شخص بزه‌دیده سعی می‌کند با تجربه منفی و عوامل استرس‌زا کنار بیاید و برای کاهش احساسات منفی خود به دنبال انتقام از کسانی است که اعتقاد دارد مسئول آسیب است و در این زمینه به اقدامات بزهکارانه مانند قتل، ضرب و جرح، توهین، جرائم مالی و بنا به اقتضا سایر جرائم دست می‌زند.

در تحقیقات پیمایشی متعددی نظریه فشار عمومی و ارتباط بین بزه‌دیدگی نیابتی و درک محله خود به‌عنوان یک محله ناامن با گرایش به مصرف مواد مخدر (Colbert & Krause, 2009: 269; Buka et al., 2001: 305; McGrath et al., 2012: 68 خشونت‌آمیز و توهین کردن (Gorman-Smith et al., 2004: 444; Bell & Jenkins, 1991: 183) انجام جرائم مالی (Lin et al., 2011: 217) و به‌طور کلی بزهکاری در آینده (Maker et al., 1998: 582; Kort-Butler, 2010: 501; Eitle & Turner, 2002: 228) به اثبات رسیده است. علاوه بر این، با مشاهده خشونت و سایر جرائم در زندان، زندانیانی که بزه‌دیده نیابتی شده‌اند، بعد از خروج از زندان توانایی آنها در همگام‌سازی و مطابقت با جامعه مشکل‌تر می‌شود و احتمال ارتکاب مجدد جرم توسط آنها و چنانچه به دلیل آزادی مشروط در خارج از

زندان باشند، احتمال نقض دستورهای آزادی مشروط توسط این افراد در مقایسه با زندانیانی که بزه‌دیده نیابتی نشده‌اند، بیشتر می‌شود (Daquin et al., 2016: 1027).

#### ۴. راهبردهای مقابله با بزه‌دیدگی نیابتی و آثار آن

در مقابله با بزه‌دیدگی نیابتی دو دسته راهبرد را می‌توان برشمرد. راهبرد نخست از ماهیت جرم‌شناسانه برخوردار است و راهبر دوم جنبه حقوقی دارد. در خصوص راهبردهای جرم‌شناسانه می‌توان از دو طیف راهکار با دو ماهیت متفاوت، تحت عنوان راهکار درمانی-حمایتی و راهکار پیشگیرانه سخن گفت. در راهکار درمانی-حمایتی هدف پیش‌بینی راهکارهایی است که با تمسک به آنها بتوان با آثار منفی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی و به‌ویژه اثر بزهکارانه آن مقابله کرد و اگر نتوان آثار آن را به صفر رسانید، حداقل تلاش شود تا نتایج منفی ناشی از این نوع بزه‌دیدگی به حداقل ممکن در سطح اجتماع برسد. در مقابل، در راهکار با ماهیت پیشگیرانه، هدف پیش‌بینی و تلاش برای ایجاد روش‌هایی است که از طریق آنها بتوان تا حد امکان زمینه بزه‌دیدگی نیابتی را در سطح جامعه کاهش داد تا افراد کمتری دچار این نوع بزه‌دیدگی شوند. در قسمت مربوط به راهبردهای حقوقی، به اصلاحات قانونی و راهکارهایی که با پیش‌بینی آنها در قوانین می‌توان آثار منفی بزه‌دیدگی نیابتی را کاهش داد، اشاره می‌شود.

#### ۴.۱. راهبردهای جرم‌شناختی

نخستین راهکار برای کاهش آثار منفی بزه‌دیدگی نیابتی از منظر جرم‌شناسی **راهکار درمانی-حمایتی** است. همان‌طور که اشاره شد، از جمله آسیب‌های وارد بر بزه‌دیدگان نیابتی، اختلالاتی است که در روح و روان فرد ایجاد می‌شود. در اغلب موارد، شاهد بزه‌دیده شدن دیگران، آسیب‌هایی را بر شاهدان وارد می‌کند که آنان را از سلامت روانی خارج می‌سازد. در این حالت فرد بزه‌دیده ممکن است از لحاظ روانی دچار بیماری شود که باید نسبت به درمان سریع و مطلوب وی اقدامات لازم را به‌عمل آورد. همچنین در برخی موارد نیز ممکن است فرد بزه‌دیده در سلامت روانی به سر برد، ولی عواطف و احساسات او خدشه‌دار شده باشد. حمایت‌های عاطفی، کمک‌های روان‌شناسانه‌ای است که برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان انجام می‌شود که منجر به معرفی ملاک‌های جهانی یک بزه‌دیده‌شناسی حمایتی شده است و پیش از هر چیز نقش روان‌شناسان و روان‌کاوان در آن برجسته است (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۴۲).

با وجود این و همان‌طور که اشاره شد گاهی اوقات تجربه بزه‌دیدگی اعم از مستقیم و یا نیابتی به صرف اختلالات روانی محدود نمی‌شود، بلکه گاهی اوقات زمینه‌ساز ارتکاب جرم و بزهکاری بزه‌دیده در آینده می‌گردد. در حقیقت، گاهی اوقات بزه‌دیدگان مستقیم به دلیل تأثیر منفی تجربه

بزه‌دیدگی به سمت بزهکاری کشیده می‌شوند و بزه‌دیدگان نیابتی در اثر مشاهده بزه‌دیده شدن دیگران و یا درک از محله به‌عنوان محله‌ای ناامن ممکن است دست به انتقام‌گیری بزنند و نگرانی برای امنیت خود، آنان را به سمت فعال بودن سوق دهد و علیه دیگران برای پیشگیری از بزه‌دیده شدن در آینده اقدام کنند. البته در تمام مصادیق هم، بزه‌دیدگی نیابتی به بزهکاری خشونت‌آمیز منتهی نمی‌شود، بلکه گاهی اوقات به روی‌آوری به مصرف مواد مخدر و یا خودکشی منجر می‌شود و برخی افراد را هم به عقب‌نشینی به محیط‌های امن‌تر سوق می‌دهد و چنین افرادی از فضاهای عمومی که احتمال قربانی شدن در آنها بیشتر است دوری می‌کنند.

در خصوص مواردی که اثر تجربه بزه‌دیدگی از یک اختلال روانی یا واکنش هیجانی بیشتر است و چنین تجربه‌ای زمینه‌ساز بزهکاری بزه‌دیده می‌شود، راهکار مفید مقابله با این قضیه دو عنصر حمایت اجتماعی و افزایش عزت‌نفس است. تحقیقات نشان می‌دهد حمایت اجتماعی و عزت‌نفس می‌تواند از پاسخ‌های بزهکارانه توسط بزه‌دیده نیابتی جلوگیری کند. به‌نظر می‌رسد در میان بزه‌دیدگان مستقیم و نیابتی آنانی که سطح حمایت اجتماعی و عزت‌نفس کمتری دارند، منجر به بزهکاری می‌شود. در این میان کسانی که از سطوح بالاتری از هر دو مورد، یعنی حمایت اجتماعی و عزت‌نفس برخوردارند، بزه‌دیدگی با بزهکاری ارتباطی ندارد. تجربه قربانی شدن و یا شاهد قربانی شدن و درک محله‌ای ناامن تنها در میان افرادی که سطوح پایین‌تری از هر دو مورد را دارند منجر به بزهکاری می‌شود. روش مقابله با احساسات منفی ناشی از بزه‌دیدگی، حمایت اجتماعی و عزت‌نفس است. حمایت اجتماعی معمولاً از سوی اعضای خانواده و دوستان می‌تواند کمک ابزاری یا عاطفی به فرد ارائه دهند (Thoits, 1995: 68). علاوه بر این، شبکه‌های حمایت اجتماعی می‌توانند افراد را از تجارب منفی پناه دهند، سازگاری‌های اجتماعی را ترویج کنند و پاسخ‌های مقابله‌ای مشروع را در برابر فشار تسهیل کنند (Capowich et al., 2001: 458). عزت‌نفس همچنین می‌تواند به افراد کمک کند تا با تجارب استرس‌زا کنار بیایند. یک حس قوی از عزت‌نفس ممکن است به افراد کمک کند تا در برابر ویژگی‌های منفی فشار، از جمله پیامدهای منفی برای خود و پیامدهای عاطفی تجربه استرس‌زا، انعطاف‌پذیرتر شوند (Roszell & Turner, 1994: 186).

دو منبع حمایت اجتماعی و عزت‌نفس، وجود رابطه بین بزه‌دیدگی و بزهکاری را مشروط می‌کند. برای نوجوانانی که سطوح بالایی از این منابع را دارند، ارتباطی بین بزه‌دیدگی، به‌ویژه بزه‌دیدگی نیابتی با بزهکاری وجود ندارد. در مقابل، برای نوجوانان با سطوح پایین این منابع، تجربه مستقیم بزه‌دیدگی، شاهد بزه‌دیده شدن و یا درک آنها از محله‌شان به‌عنوان یک محله ناامن به بزهکاری بعدی منجر می‌شود. در بزه‌دیدگی مستقیم برخورداران از حمایت اجتماعی و عزت‌نفس نمی‌تواند تأثیر صددرصد در بازدارندگی شخص از گرایش به بزهکاری

داشته باشد؛ اما یک بزه‌دیده نیابتی تنها در صورتی به سمت بزهکاری کشیده می‌شود که از حمایت اجتماعی برخوردار نبوده و عزت نفس پایینی داشته باشد (Kort-Butler, 2010: 501). بنابراین با توجه به اینکه فشار نیابتی آثار زیادی بر بزهکاری در آینده دارد، تلاش‌های فردی و اجتماعی باید نه تنها افرادی را که شخصاً قربانی می‌شوند، بلکه کسانی را که شاهد قربانی شدن در جوامع خود هستند، نیز هدف قرار دهد. برای افرادی که قربانی شدن را مستقیماً یا به صورت نیابتی تجربه می‌کنند، کمک به ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی مثبت و افزایش عزت نفس ممکن است از بزهکاری به طور کلی و بزهکاری خشونت‌آمیز به طور خاص جلوگیری کند و همچنین خطر سایر پیامدهای منفی را کاهش دهد. در این زمینه مشاوران حاضر در مدارس و دانشگاه‌ها، مددکاران اجتماعی در دادگستری و زندان و روانشناسان جامعه باید بدانند که ارتکاب یک جرم علیه شخص نه تنها بر زندگی وی که به طور مستقیم دچار آسیب شده، بلکه بر افرادی که به نوعی با او رابطه دارند نیز تأثیر می‌گذارد و بدین ترتیب، علاوه بر حمایت از قربانیان مستقیم یک جرم، اقوام و دوستان نزدیک او را نیز در نظر بگیرند تا به آنها کمک کنند تا با تراژدی‌هایی مانند قربانی شدن در زندگی روزمره خود کنار بیایند. مشاوره با بزه‌دیدگان نیابتی، مانند دوستان بزه‌دیده مستقیم در محیط مدرسه و دانشگاه و تلاش برای آموزش و ترویج اشکال اجتماعی مقابله با احساسات منفی ناشی از بزه‌دیدگی در کاهش گرایش به انحراف و انتقام‌جویی توسط بزه‌دیدگان نیابتی مؤثر است.

علاوه بر بزه‌دیدگان نیابتی در سطح اجتماع، در میان زندانیان نیز، هم در محیط زندان و هم پس از آزادی، به‌ویژه آزادی مشروط، تشخیص و درمان مشکلات روانی و فشارهای ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی که می‌تواند در ورود مجدد آنها به جامعه تأثیر منفی بگذارد، ضروری است. از درمان می‌توان برای کمک به زندانیان در جهت مقابله با احساسات منفی ناشی از شاهد قربانی شدن استفاده کرد. زندانیان به دلیل شرایط روحی و روانی خاص ناشی از در بند بودن، احتمالاً نسبت به سایر افراد جامعه بیشتر فاقد مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر با احساسات منفی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی در زندان هستند و بدین ترتیب، احتمال اینکه در حالت عصبانیت و ناامیدی دست به ارتکاب رفتارهای مجرمانه بزنند، بیشتر است. درمان می‌تواند یک روش اجتماعی برای ابراز کلامی احساسات و فرصتی برای یادگیری نحوه ابراز احساسات به روش‌هایی باشد که به جنایت منجر نشود. در حقیقت، غربالگری برای بیماری‌های روانی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی و تلاش برای درمان چنین زندانیانی در جامعه، بخش ضروری از فرآیند ورود مجدد به جامعه است. در این زمینه و در خصوص آن دسته از زندانیانی که شاهد وقوع جرم یا به عبارت دیگر بزه‌دیده نیابتی در زندان بوده‌اند، برنامه‌های مددکارانه پس از آزادی از زندان و یا دستورهای صادره از

سوی دادگاه در هنگام صدور حکم به آزادی مشروط باید به‌گونه‌ای ترسیم شود که در بهبود وضعیت روحی چنین زندانیانی مؤثر باشد و مانع از روی‌آوری مجدد آنان به ارتکاب جرم شود. دومین راهکار جرم‌شناسانه در برابر بزه‌دیدگی نیابتی که برخلاف راهکار نخست جنبه پیشگیرانه دارد، **رسانه‌ای نشدن بیش از حد اخبار بزه‌دیدگی** است. رسانه‌ها می‌توانند تأثیر زیادی در افزایش میزان بزه‌دیدگی نیابتی در سطح جامعه داشته باشند. رسانه‌ها با توجه به توسعه کمی و کیفی که یافته‌اند در عمل می‌توانند هم فرصت و هم تهدیدی برای دوام و قوام احساس امنیت در جامعه باشند. رسانه‌ها با انتشار بیش از حد اخبار جرم و به تبع آن القای احساس ناامنی و ترس از جرم در میان اقشار جامعه سبب افزایش تعداد بزه‌دیدگان نیابتی در هر جرم می‌شوند. این بزه‌دیدگان نیابتی به‌دلیل کاهش احساس امنیت خود به ارتکاب رفتارهای خشونت‌گرا، انجام اقدامات بزهکارانه به‌منظور پیشگیری از بزه‌دیدگی و تمایل به تشدید مجازات‌ها و برخوردهای خشن با بزهکاران و به‌طور کلی به رویکردهای امنیتی‌گرایش پیدا می‌کنند. برای مثال در چند دهه قبل، مدام در رسانه‌ها صحبت از تجاوز به زنان و دختران به طرق مختلف می‌شد. به‌ویژه آنکه رسانه‌ها بیشتر توجهشان به بازنمایی بزه‌دیدگانی است که از گروه‌های دیگر آسیب‌پذیرترند و از جمله این گروه‌های آسیب‌پذیر «زنان» هستند (فرجیها و همت‌پور، ۱۳۹۲: ۴). این تبلیغات بیش از حد رسانه‌ها در خصوص بزه‌دیدگی زنان، سبب افزایش ترس از جرم در میان سایر زنان و بزه‌دیدگی نیابتی آنان شده بود. در نتیجه این امر، زنان علاوه بر آنکه از لحاظ قانونی خواستار تشدید مجازات و برخوردهای شدید در مقابل با متجاوزان بودند و به‌عبارت دیگر گرایش به خشونت‌گرایی در کیفر پیدا کردند، چنین خشونت‌گرایی در رفتارهای روزمره آنها نیز نفوذ پیدا کرد. بدین‌صورت که اکثر دختران و زنان هنگام حضور در جامعه یک سلاح سرد (حداقل یک چاقو کوچک) همراه خود داشتند. هنگامی که در خیابان، پارک و سایر اماکن عمومی با کوچکترین تعرض، مثلاً متلک گفتن از سوی آقایان روبه‌رو می‌شدند، به‌دلیل ترس بیش از حدی که در پی رسانه‌ای شدن اخبار بزه‌دیدگی بر آنها حاکم شده بود و به تبع آن در راستای پیشدستی و پیشگیری از بزه‌دیدگی و یا به‌منظور انتقام‌گیری از زنان بزه‌دیده مستقیم تجاوز و در راستای همزادپنداری با آنان، سریعاً دست به سلاح می‌بردند و به شخص متلک‌گو جراحی را وارد می‌کردند که بعضاً کشنده بود. با این مثال، مشخص می‌شود چگونه رسانه‌ای شدن بیش از حد جرائم زمینه‌ساز افزایش بزه‌دیدگی نیابتی و آثار منفی آن در جامعه است.

از آنجا که مقوله ایجاد احساس امنیت در جامعه توسط اصحاب رسانه یکی از نکات شایان توجه در این عرصه است لازم است تا همواره تعامل مستقیم و مستمری بین رسانه‌ها و پلیس فراهم گردد که این تعامل مفید می‌تواند احساس ناامنی را به احساس امنیت تبدیل کند و از گسترش پدیده بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه تا حد امکان جلوگیری کند. در این زمینه ضروری



است رسانه‌ها به صورت شفاف به اخبار و رویدادهای انتظامی بپردازند و از شایعه‌پراکنی در فضای مختلف به ویژه فضای مجازی جلوگیری کنند. رسانه‌ها با انتخاب تیترهای مناسب و آرامش‌بخش برای رویدادهای جنایی و پرداختن به توصیه‌های پلیس و اطلاع‌رسانی شفاف بدون غوغا‌گری در جهت ایجاد احساس امنیت و آگاه کردن مردم برای مقابله با توسعه بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه گام بردارند. پس از انتشار یک رویداد جنایی با انتخاب تیترهای آرامش‌بخش و فارغ از هرگونه تنش، رسانه‌ها به دور از هرگونه تأکید و استمرار در پخش اخبار مربوط به رویداد، باید به تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی- انتظامی رویداد جنایی بپردازند و سعی کنند مردم را به آرامش دعوت کرده و راهکارهای اجتماعی صحیح را برای پیشگیری از رخداد مجدد چنین حوادثی به مردم آموزش دهند. در واقع رسانه بیش از تأکید بر اخبار جنایی و ایجاد جنجال باید به سراغ آموزش روش‌های پیشگیرانه به مردم به منظور جلوگیری از بروز حوادث جنایی مشابه باشند. انتخاب این روش در رسانه‌ها تأثیر بسیاری در پیشگیری از بزه‌دیدگی نیابتی و آثار نامطلوب این پدیده دارد. علاوه بر این، به نظر می‌رسد ایجاد شبکه‌ای مستقل در تلویزیون و رادیو برای پلیس تحت عنوان «شبکه ملی پلیس یا رادیو ملی پلیس» در پیشگیری از توسعه بزه‌دیدگی نیابتی در جامعه مفید باشد. این شبکه به افراد جامعه کمک می‌کند تا در خصوص مباحث مربوط به نظم امنیت دچار سرگردانی و پراکندگی مطالب و همچنین شایعه‌پراکنی نشوند و به شبکه یا رادیو ملی پلیس به عنوان شبکه مورد اعتماد خود مراجعه کنند. این امر نیز به نوبه خود از تشویش اذهان و به خطر افتادن احساس امنیت و آرامش روانی و به تبع بزه‌دیدگی نیابتی شهروندان پیشگیری خواهد کرد.

#### ۲.۴. راهبردهای حقوقی

نخستین راهبرد حقوقی، حمایت تقنینی از بزه‌دیدگان نیابتی و به رسمیت شناختن حق اعلام جرم و شکایت برای سازمان‌های مردمنهاد آگاه از جرم است. بدیهی است که ارتکاب بزه نظم و امنیت عمومی جامعه را بر هم می‌زند و در همین زمینه دادستان‌ها به نمایندگی از مردم و حاکمیت مکلف به تعقیب جرائم هستند. مع الوصف بدون کمک جامعه و نهادهای مردمی نمی‌توان از وجود جرائم مختلفی که در جامعه ارتکاب می‌یابد آگاه شد و جامعه مدنی با همه ظرفیت‌های موجود می‌تواند یک الگوی مطلوب از پاسخ سنجیده و کارآمد باشد (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۸۱). از این رو سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای تحقق عملی امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند ضمن اعلام و گزارش جرائم ارتکابی نقش مهم و برجسته‌ای را در این زمینه ایفا کنند و جامعه از طریق سمن‌ها و تشکلات مردمی می‌تواند کمک‌های شایسته و بایسته‌ای را ارائه دهد. همان‌طور که سازمان‌های مردم‌نهاد از طریق اعلام جرم می‌توانند به کمک جامعه بیابند، جامعه

نیز باید از این سازمان‌ها به‌عنوان بزه‌دیدگان نیابتی حمایت کند و همچون یک بزه‌دیده مستقیم برای آنها نیز در قانون حق شکایت قائل باشد.

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری نمونه آشکار و واضح حمایت قانونی از سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان بزه‌دیدگان نیابتی است. این ماده همسو با اندیشه‌های نوین بزه‌دیده‌شناختی است که به‌جهت مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد در این امر وضع شده است؛ زیرا سازمان‌های مردم‌نهاد به نیابت از افراد بزه‌دیده حق اعلام جرم را دارند که علاوه بر اعلام جرم موارد دیگری را نیز قانونگذار پیش‌بینی کرده است. با وجود این سختگیری و مانع‌تراشی در تأسیس سمن‌ها، حصری بودن موارد مذکور در ماده ۶۶ و اخذ مجوز از موانع مهم در مشارکت و اعلام جرم از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد است که می‌بایست در اصلاح ماده ۶۶ ق.آ.د.ک مورد مذاقه قرار گیرد.

به رسمیت شناختن برنامه‌های نظارت همسایه<sup>۱</sup> و پلیس محله<sup>۲</sup> به‌عنوان دومین راهکار تقنینی برای کاهش بزه‌دیدگی نیابتی قابل طرح است. نظارت همسایه یا پلیس محله در واقع نهادهای محلی و مردمی هستند که هدف کاهش جرم را دنبال می‌کنند و اغلب در تعامل با پلیس عمل می‌کنند، برخی اوقات نیز همکاری‌هایی با دیگر مقامات محلی دارند. اصطلاحات «نظارت خیابانی» یا «نظارت خانگی» نیز بعضی مواقع به‌جای عبارت نظارت همسایه به‌کار می‌روند (صبوری‌پور، ۱۳۹۳: ۸۴۴)؛ زیرا اعضای یک محله به‌عنوان چشم و گوش مقامات قضایی عمل کنند و مواردی را که ممکن است به بزه‌دیدگی دامنه وسیعی از آن محله منجر شود، گزارش دهند.

اهداف برنامه‌های نظارت همسایه و همچنین پلیس محله عبارت است از: ساکنان محله، کاهش میزان ترس از جرم، کاهش بزه‌دیدگی نیابتی در سطح محله، ابزاری برای ارتقای وضعیت کشف جرائم و پیشگیری از آن و ارائه اطلاعات به مقامات قضایی. برنامه‌های نظارت همسایه و پلیس محله فرایندهای کنترل اجتماعی را بهبود بخشیده و نظام‌مند می‌کنند. خیلی از شهروندانی که احساس مسئولیت می‌کنند، از اینکه در کنترل جرم همکاری کنند و منافع خود و دیگران را از این طریق تأمین کنند، احساس خوشایندی پیدا می‌کنند. بنابراین نظارت همسایه و پلیس محله نوعی پیشگیری اجتماعی از جرم است که هدف آن کمک به ایمنی و کیفیت زندگی در مناطق مسکونی از طریق کاهش ترس از جرم و کاهش آثار بزه‌دیدگی نیابتی است.

در این زمینه تشکیل یک تیم نگهبان محله‌ای به‌منظور گشت‌زنی در محله تأثیر بسزایی خواهد داشت. وظایفی را که چنین تیمی می‌تواند انجام دهد و سبب کاهش ترس از جرم در

- 
1. Neighborhood Watch Programs
  2. local police

محله و به تبع کاهش آثار منفی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی شود، شامل شناسایی و گزارش اقدامات مشکوک و موقعیت‌های ناایمن به پلیس، آموزش ساکنان در مورد مسائل امنیتی و گزارش علائم فیزیکی یا اجتماعی اختلال به مقامات محلی است. در راستای تحقق بهتر اهداف مقرر برای نگهبانان محله‌ای لازم است بسیاری از مقامات دولتی از نگهبانان محله‌ای حمایت کنند، به آنها آموزش‌های لازم را بدهند، تلاش‌های آنها را تسهیل کنند، حق اعلام جرم و شکایت کردن را به طریق قانونی برای آنان به رسمیت بشناسند و در نهایت پلیس امکان دسترسی به اطلاعات قضایی را برای آنها فراهم سازد، اطلاعاتی که برای شهروندان عادی قابل دسترس نیست (Lub, 2018: 913).

پلیس محله به سختی می‌تواند جای خالی وظایف پلیس را پر کند، اما می‌تواند احساس امنیت ساکنان محلی را بهبود بخشد و اثرات منفی ناشی از مشاهده بزه‌دیده شدن در یک محله یا به عبارت بهتر تأثیرات منفی ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی ساکنان محله را کاهش دهد (Liu, 2011: 13). زیرا همان‌طور که مطالعات نشان داده آگاهی بیشتر ساکنان یک محله از وقوع جرائم در محله خویش می‌تواند ترس از جرم را در میان آنان افزایش دهد. از سوی دیگر، آگاهی از جرم واقع شده در محله، هنگامی که با افزایش احساس کارآمدی جمعی نگهبانان محله‌ای و نظارت همسایه همراه شود، ممکن است احساس کنترل فرد را بر منطقه محلی خود افزایش و در نتیجه ترس از جرم و تبعات منفی بزه‌دیدگی نیابتی را کاهش دهد.

در خصوص برنامه‌های نظارت همسایه، قانون آیین دادرسی کیفری به شکل خاص به این موضوع اشاره نکرده است، اما به موجب ماده ۶۵ قانون آیین دادرسی کیفری تمامی افراد حق اعلام جرم دارند. بر اساس این ماده همسایه‌ای که شاهد دیداری یا شنیداری وقوع جرم در محله خویش است، حق اعلام جرم دارد. در راستای حمایت از بزه‌دیدگان نیابتی مناسب است قانون آیین دادرسی کیفری علاوه بر اعلام جرم، حق شکایت کردن و حتی پیگیری موضوع و دریافت اطلاعات راجع به پرونده را برای بزه‌دیده نیابتی اعلام‌کننده جرم به رسمیت بشناسد. بدین وسیله از بیم‌جارات ماندن بزه‌کاران و بدون جبران ماندن ضرر وارده به بزه‌دیدگان مستقیم احتراز می‌شود و ترس از بزه‌دیدگی در میان اقشار جامعه، به ویژه بزه‌دیدگان نیابتی کاهش می‌یابد. در مواردی هم که جرم جزء جرائم قابل گذشت باشد، پس از اعلام شکایت از سوی بزه‌دیده نیابتی و در صورت گذشت بزه‌دیده مستقیم لازم است نتیجه به اطلاع بزه‌دیده نیابتی اعلام‌کننده جرم برسد. چه بسا بتوان حتی در این‌گونه جرائم، یعنی جرائم قابل گذشت پس از گذشت بزه‌دیده مستقیم، حقوقی همچون حق مطالبه خسارت معنوی وارد به بزه‌دیده نیابتی را به رسمیت شناخت.

بر خلاف برنامه‌های نظارت همسایه، به نظر می‌رسد پلیس محله دارای محمل قانونی است. ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، با طرح اعطای مجوز بخشی از خدمات انتظامی و حمایتی به مؤسسات غیردولتی زمینه تشکیل پلیس محله را فراهم کرده است. آیین‌نامه اجرایی این قانون تحت عنوان «آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۲۲ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤسسات خدمات انتظامی (حفاظتی و مراقبتی)» در تاریخ ۱۳۸۸/۰۸/۱۷ به تصویب رسید. آنچه در این آیین‌نامه آمده بیشتر مباحث شکلی و ساختار مؤسسات مراقبتی-حفاظتی است، اما در مورد نگهبانان محله یا همان پلیس محله مباحث جدی مطرح نشده است. حتی در ماده ۵ این آیین‌نامه (در قسمت تعاریف) برای نگهبانان محله‌ای اصطلاح خاصی پیش‌بینی و تعریف نشده است. در این آیین‌نامه در خصوص حق و حقوقی که نگهبانان محله‌ای در هنگام برخورد با جرم دارند، سخنی به میان نیامده است. تنها در ماده ۲۹ این آیین‌نامه به بحث تنظیم صورت‌جلسات و تحویل گرفتن و انتقال متهمان یا مظنونان به همراه لوازم و اموال همراه آنان از نگهبانان یا مراقبان مؤسسات، اعزام واحد گشتی به محل استقرار نگهبانان بنا به ضرورت و درخواست نگهبان یا مؤسسه و همچنین حمایت و پشتیبانی انتظامی از نگهبانان در راستای مأموریت‌های محوله به آنان اشاره شده است. اما در این آیین‌نامه و در راستای حمایت از نگهبانان محله‌ای به‌عنوان بزه‌دیدگان نیابتی مستقیم مشخص نشده این دسته از افراد و یا حتی مؤسسات آنان در صورت اعلام جرم چه حق بالاتری نسبت به سایر افراد عادی دارند؟ آیا حق شکایت هم دارند؟ آیا در صورت اعلام جرم و شکایت کردن حق پیگیری پرونده از پلیس را دارند؟ و آیا پلیس و سایر مقامات قضایی موظف‌اند گردش کار پرونده و اطلاعات راجع به پرونده را در اختیار آنها قرار بدهند؟ و این اختیار تا چه حدی است؟ در تمامی این مسائل آیین‌نامه سکوت کرده است. بنابراین، در این آیین‌نامه جنبه‌های حمایت از بزه‌دیدگان نیابتی لحاظ نشده بود.

سرانجام آیین‌نامه فوق در تاریخ ۱۳۹۹/۰۹/۱۹ با پیشنهاد نیروی انتظامی اصلاح شد و عنوان «آیین‌نامه اجرایی مؤسسات خدمات حفاظتی و مراقبتی و دفاتر خدمات الکترونیک انتظامی» را به خود گرفت. این آیین‌نامه برخلاف آیین‌نامه سابق، برای نگهبانان محله‌ای اصطلاح خاصی تحت عنوان «پلیس یاران» را پیش‌بینی کرد و در بند ۹ ماده ۵ به تعریف آن پرداخت. در خصوص حقوق پلیس‌یاران در برخورد با جرم، در ماده ۲۸ مقرراتی مشابه ماده ۲۹ آیین‌نامه سابق پیش‌بینی شده است. بنابراین، این آیین‌نامه نیز در خصوص حق شکایت از جرم و امکان پیگیری

۱. این ماده اگرچه به‌طور مستقیم به پیشگیری از جرم و بزه‌دیده‌شدن اشاره ندارد، اما می‌توان با توجه به سایر مواد این بخش، یکی از رسالت‌های آن را تقویت و توسعه اقدامات مراقبتی برای بزه‌دیدگان بالقوه یا اقدامات پیشگیرانه در برابر جرم، توسط بخش‌های غیردولتی اما با نظارت دقیق دولت، قلمداد کرد (صفاری، ۱۳۹۱: ۸۸).

پرونده جرم اطلاع داده شده و وظیفه مقامات قضایی برای مطلع کردن پلیس یاران از جریان پرونده مسکوت است. این در حالی است که پلیس یاران و مؤسسات وابسته به آنان همانند سازمان‌های مردم‌نهادی هستند که در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده و بهتر است که برای این دسته از بزه‌دیدگان نیابتی، یعنی پلیس‌یاران یا نگهبانان محله نیز امتیازهای خاصی، مانند حق شکایت از جرمی که شاهد دیداری یا شنیداری آن بوده و حق پیگیری و اطلاع از پرونده به رسمیت شناخته شود.

### ۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بزه‌دیدگی نیابتی فرایندی است که در اثر تعامل و همنشینی با افراد بزه‌دیده رخ می‌دهد و فرض می‌شود که یک رابطه‌ی علی بین همدلی عاطفی بزه‌دیده نیابتی و بزه‌دیده مستقیم از جرم وجود دارد. مؤلفه‌هایی که منجر به بزه‌دیدگی نیابتی می‌شود شامل شنیدن و مشاهده مستقیم یا رسانه‌ای تصاویر وحشتناک، هولناک و تکان‌دهنده یک رویداد یا آسیب است که به کاهش ایمنی، عدم اعتماد به اطرافیان، تغییرات خلق و خوی، برانگیختگی و کاهش عزت‌نفس منجر می‌شود. در نظام کیفری ایران بعد از طرح گسترده مباحث علم بزه‌دیده‌شناسی و دو شاخه اصلی آن، یعنی بزه‌دیده‌شناسی علمی و حمایتی یافته‌های این علم در مواد مختلف قوانین جزایی و قانون آیین دادرسی کیفری و همچنین در مباحث جرم‌شناسی و پیشگیری گنجانده شده است. با وجود این، درج یافته‌های بزه‌دیده‌شناسی در قانون صرفاً مربوط به بزه‌دیدگان مستقیم جرائم است، درحالی‌که همانند بزه‌دیدگان مستقیم، بزه‌دیدگان نیابتی نیز نیاز به توجه علمی و حمایتی دارند و لازم است زمینه‌های توجه به این دسته از بزه‌دیدگان در قوانین و دروس جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی و به‌طور کلی نظام کیفری ایران فراهم شود، زیرا بزه‌دیده شدن به‌صورت نیابتی باعث ایجاد آثار منفی همچون اختلالات روانی، کاهش حس امنیت یا افزایش ترس از جرم و بزهکاری در آینده می‌شود. به‌همراه داشتن چنین آثار منفی طلب می‌کند تا همانند توجه به بزه‌دیدگان مستقیم جرائم به بزه‌دیدگان نیابتی نیز توجه شود و راهبردهای مختلفی به‌منظور مقابله با آثار منفی این نوع بزه‌دیدگی تعبیه شود. راهبردهای مقابله با بزه‌دیدگی نیابتی با توجه به انواع بزه‌دیدگی نیابتی و آثار آن در دو طیف کلی جرم‌شناسانه و تقنینی قابل بحث هستند. بنابراین، تلاش‌های فردی و اجتماعی مختلف و همچنین تلاش نظام عدالت کیفری باید نه تنها افرادی را که شخصاً قربانی می‌شوند، بلکه کسانی را که شاهد قربانی شدن در جوامع خود هستند، نیز هدف قرار دهد. برای افرادی که قربانی شدن را به‌صورت نیابتی تجربه می‌کنند، کمک به ایجاد شبکه‌های حمایت اجتماعی مثبت و افزایش عزت‌نفس ممکن است از بزهکاری به‌طور کلی و بزهکاری خشونت‌آمیز به‌طور خاص جلوگیری کند و همچنین خطر سایر پیامدهای

منفی را کاهش دهد. برای مثال مشاوران، مددکاران اجتماعی و روانشناسان باید بدانند که قربانی شدن خشونت نه تنها بر زندگی افرادی که دچار خشونت شده‌اند، بلکه بر افرادی که با آنها رابطه دارند نیز تأثیر می‌گذارد. مشاوران، مددکاران اجتماعی و سایر متخصصان بهداشت باید حمایت از قربانیان و اقوام و دوستان نزدیک آنها را در نظر بگیرند و به آنها کمک کنند تا با تراژدی‌هایی مانند قربانی شدن در زندگی روزمره خود کنار بیایند. در راستای مقابله با آثار منفی بزه‌دیدگی نیابتی پیشنهادهایی قابل طرح است که در ادامه مطرح می‌شود:

- به‌کارگیری راهکار درمانی-حمایتی از جمله کمک‌های روان‌شناسانه برای ترمیم درد و رنج‌های عاطفی بزه‌دیدگان نیابتی؛
- پیشگیری از رسانه‌ای شدن بیش‌ازحد اخبار بزه‌دیدگی به‌منزله کاهش آثار سوء ناشی از بزه‌دیدگی نیابتی؛
- افزایش حمایت اجتماعی و عزت نفس بزه‌دیدگان نیابتی به‌منظور پیشگیری از بزهکاری؛
- ارتباط و تعامل بیشتر با پلیس در راستای درج اخبار و هشدارهای انتظامی در جهت اطلاع‌رسانی و آموزش همگانی؛
- عدم استفاده از تیترهای تنش‌زا در راستای ایجاد احساس امنیت و جلوگیری از بزه‌دیدگی نیابتی؛
- اطلاع‌رسانی شفاف اخبار جنایی به شهروندان و جلوگیری از شایعه‌پراکنی؛
- برگزاری گزارش‌ها و برنامه‌های کارشناسی در خصوص تحلیل اجتماعی-انتظامی پدیده جنایی؛
- تشکیل شبکه تلویزیونی پلیس؛
- اصلاح ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و از بین بردن موانع بر سر راه سمن‌ها؛
- پیش‌بینی قانونی حق شکایت، پیگیری موضوع از پلیس و دسترسی به اطلاعات قضایی برای شاهدان دیداری و شنیداری اعلام‌کننده جرم؛
- پیش‌بینی قانونی حق شکایت، پیگیری موضوع از پلیس و دسترسی به اطلاعات قضایی برای پلیس‌یاران.

## منابع

### الف) فارسی

۱. اهلین، آیلین (۱۳۹۳). بزه‌دیدگان دوم قتل. ترجمه محمود مهدوی خاشی، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ج ۲، چ اول، تهران: میزان.
۲. پترسون، الیکا (۱۳۹۳). بزه‌دیدگی نیابتی. ترجمه مجتبی جانی‌پور، دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ج ۲، چ اول، تهران: میزان.
۳. خاشی، محمود (۱۳۹۳). بزه‌دیدگان دوم قتل. دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ج ۲، چ اول، تهران: میزان.
۴. خدادی، ابوالقاسم و فتخار، مریم (۱۳۹۵). بازتوانی بزه‌دیده در پرتو بزه‌دیده‌شناسی بالینی. فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، ۱۷، ۱۲۷-۱۵۴.
۵. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. چ دوم، تهران: دادگستر.
۶. صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۳). برنامه‌های نظارت همسایگی. دانشنامه بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از جرم، ج ۲، چ اول، تهران: میزان.
۷. صفاری، علی (۱۳۹۱). مقدمات ضروری پیشگیری از جرم، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفرشناسی، چ اول، تهران: جنگل.
۸. عبادی، منیژه؛ آزرمی، سمیه و شفیقی، سوسن (۱۳۹۱). اختلال تنش‌زای پس از حادثه. فصلنامه دانشکده پرستاری ارتش، ۱۲(۲)، ص ۶۸.
۹. فرجیها، محمد و همت‌پور، بهاره (۱۳۹۲). تحلیل نحوه‌بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در روزنامه‌ها. فصلنامه جهانی رسانه، ۸(۱)، ۱-۲۰.
۱۰. وجدانی فخر، مهدیه (۱۴۰۰). بزه‌دیده‌شناسی آبی در سایه پدیده جهانی قتل زنان (فمسیاید). مطالعات پلیس زن، ۳۵(۱۵)، ۲۳-۴۰.
۱۱. وجدانی فخر، مهدیه (۱۴۰۰). بزه‌دیده‌شناسی آبی. چ اول، تهران: مجد.

### ب) انگلیسی

12. Agnew, R. (1992). Foundation for a general strain theory of crime and delinquency *Criminology*, 30(1), 47-88.
13. Agnew, R. (2001). Building on the foundation of general strain theory: Specifying the types of strain most likely to lead to crime and delinquency. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 38 (4), 319-361.
14. Agnew, R. (2002). Experienced, vicarious, and anticipated strain: An exploratory study on physical victimization and delinquency. *Justice Quarterly*, 19(4), 603-632.
15. Baron, W. (2009). Street youths' violent responses to violent personal, vicarious, and anticipated strain. *Journal of Criminal Justice*, 37(5), 442-45.

16. Bell, C., & Jenkins, J (1991). Traumatic stress and children. *Journal of Health Care for the Poor and Underserved*, 2, 175-188.
17. Blevins, R., Listwan, J., Cullen, T., & Jonson, L. (2010). A general strain theory of prison violence and misconduct: An integrated model of inmate behavior. *Journal of Contemporary Criminal Justice*, 26, 148-166.
18. Box, S., Hale, C., & Andrews, G. (1988). Explaining fear of crime. *British Journal of Criminology*, 28,(3), 340-356.
19. Boxer, P., Middlemass, K., & Delorenzo, T. (2009). Exposure to violent crime during incarceration: Effects on psychological adjustment following release. *Criminal Justice and Behavior*, 36, 793-807.
20. Buka, L., Stichick, I., Birdthistle, I., & Earls, J. (2001). Youth exposure to violence: Prevalence, risks, and consequences. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71, 298-310.
21. Capowich, E., Mazerolle, P., & Piquero, A. (2001). General strain theory, situational anger, and social networks: An assessment of conditioning influences. *Journal of Criminal Justice*, 29, 445-461.
22. Colbert, J., & Krause, N. (2009). Witnessing violence across the life course, depressive symptoms, and alcohol use among older persons. *Health Education & Behavior*, 36, 259-277.
23. Daquin, J., Daigle, L., & Istwa, Shelley, J. (2016). Poly-Victimization Risk in Prison: The Influence of Individual and Institutional Factors. *Criminal Justice and Behavior*, 43(8), 1018-1033.
24. Diamond, T., & Muller, T. (2004). The relationship between witnessing parental conflict during childhood and later psychological adjustment among university students: Disentangling confounding risk factors. *Canadian Journal of Behavioural Science*, 36, 295-309.
25. Drakulich, K. (2015). Social Capital, Information, and Perceived Safety from Crime: The Differential Effects of Reassuring Social Connections and Vicarious Victimization. *Social Science Quarterly*, 96(1), 176-190.
26. Eitle, D., & Turner, J. (2002). Exposure to community violence and young adult crime: The effects of witnessing violence, traumatic victimization, and other stressful life events. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 39, 2, 214-237.
27. Ferraro, F. (1996). Women's fear of victimization: Shadow of sexual assault?. *Social Forces*, 75(2), 667-690.
28. Figley, R., & Kleber, J. (1995). *Beyond the "victim"*. In *Beyond trauma*. Boston: Springer.
29. Fox, A., Nobles, R., & Piquero, R. (2009). Gender, crime victimization, and fear of crime. *Security Journal*, 22(1), 24-39.
30. Gaylord-Harden, K., Cunningham, A., & Zelencik, B. (2011). Effects of exposure to community violence on internalizing symptoms: Does desensitization to violence occur in African American youth?. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 39, 711-719.



31. Gorman-Smith, D., Henry, B., & Tolan, H. (2004). Exposure to community violence and violence perpetration: The protective effects of family functioning. *Journal of Clinical Child & Adolescent Psychology*, 33, 439-449.
32. Jenkins, R., & Baird, S. (2002). Secondary traumatic stress and vicarious trauma: A validation study. *Journal of Traumatic Stress*, 15(5), 423-432.
33. Kirk, L. (1988). *Factors affecting perceptions of safety in a campus environment*. In: D. Lawrence, R. Habe, A. Hacker, & D. Sherrod (Eds.), *People's needs/Planet management: Paths to co-existence* (pp. 215-221). Washington, DC: Environmental Design Research Association.
34. Kort-Butler, L. (2010). Experienced and vicarious victimization: Do social support and self-esteem prevent delinquent responses?. *Journal of Criminal Justice*, 38(4), 496-505.
35. Lin, H., Cochran, K., & Mieczkowski, T. (2011). Direct and vicarious violent victimization and juvenile delinquency: An application of general strain theory. *Sociological Inquiry*, 81(2), 195-222.
36. Listwan, J., Colvin, M., Hanley, D., & Flannery, D. (2010). Victimization, social support, and psychological well-being: A study of recently released prisoners. *Criminal Justice and Behavior*, 37, 1140-1159.
37. Lo, C., Gerling, M., Ash-Houchen, W., & Cheng, C. (2021). Violent victimization, stressful events, and depression: a longitudinal study of young adults in the US. *Community mental health journal*, 57(3), 502-511.
38. Maker, H., Kimmelmeier, M., & Peterson, C. (1998). Long-term psychological consequences in women of witnessing parental physical conflict and experiencing abuse in childhood. *Journal of Interpersonal Violence*, 13, 574-589.
39. McCorkle, C. (1993). Fear of victimization and symptoms of psychopathology among prison inmates. *Journal of Offender Rehabilitation*, 19, 27-41.
40. McGrath, A., Marcum, D., & Copes, H. (2012). The effects of experienced, vicarious, and anticipated strain on violence and drug use among inmates. *American Journal of Criminal Justice*, 37(1), 60-75.
41. Mesch, S. (2000). Perceptions of risk, lifestyle activities, and fear of crime. *Deviant Behavior*, 21(1), 47-62.
42. Overlien, C. (2010). Children exposed to domestic violence: Conclusions from the literature and challenges ahead. *Journal of Social Work*, 10, 80-97.
43. Parkes, M. (1972). *Studies of grief in adult life*. New York: International Universities Press.
44. Scheeringa, S., Myers, L., Putnam, W., & Zeanah, H. (2012). Diagnosing PTSD in early childhood: an empirical assessment of four approaches. *Journal of traumatic stress*, 25(4), 359-367.
45. Skogan, G., & Maxfield, M. (1981). *Coping with crime: Individual and neighborhood reactions*, CA: Sage.
46. Smith, E., & Batiuk, E. (1989). Sexual victimization and inmate social interaction. *The Prison Journal*, 69, 29-38.
47. Thoits, A. (1995). Stress, coping, and social support processes: Where are we? What next?. *Journal of Health and Social Behavior*, Special issue, 53-79.
48. Turner, J., & Roszell, P. (1994). *Psychosocial resources and the stress process*. New York: Plenum Press.

49. Walker, D'Andre (2021). Vicarious Victimization, Negative Emotions, and Maladaptive Coping: Investigating the Role of Violent Peers. *Violence and Victims*, 36(1), 45-65.
50. Wayment, H. (2004). It Could Have Been Me: Vicarious Victims and Disaster-Focused Distress. *Society for Personality and Social Psychology*, 30(4), 515-528.

